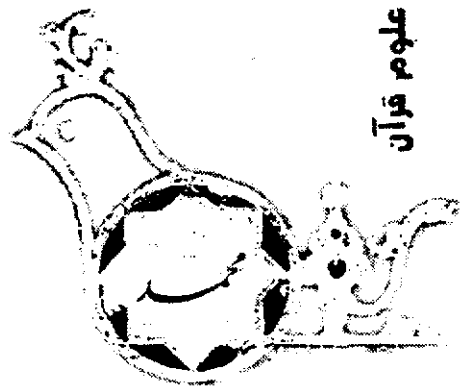


آموزش و ترویج قرآن



در سیره پیامبر

مهدی سلطانی زمانی

مقدمه

یکی از مهم ترین اقدامات پیامبر (ص) در زمینه گسترش معارف الهی قرآن، ترویج روش ها و شیوه های مطلوب قرائت قرآن است، که در همه زوایای خود، کاملاً عمومی و فراگیر می باشد، به طوری که در همه زمان ها و مکان ها و برای همه انسان ها با هر زبان، و نژاد و برای گروه های سنی مختلف و برای باسواد و بی سواد یکسان بوده و به کتاب درسی و جزوه آموزشی بیرون از قرآن مشروط نیست و دارای مقبولیت علمی، و مرحله بندی و مقاطع مشخص آموزشی با ره آوردهای تعریف شده می باشد.^۱

در این مقاله سعی نگارنده آن است که روش های مذکور را در سیره پیامبر اعظم (ص) مورد بحث و بررسی قرار دهد. اما قبل از ورود به مباحث اصلی یادآوری این نکته لازم به نظر می رسد که با نگاهی ژرف به روش ها و شیوه های متداول آموزش قرآن و راهکارهای اجرایی و پیشنهادی در جهت ترویج آن نشان می دهد که اصول و مبانی آموزش و ترویج قرآن از دیدگاه قرآن مجید و آموزه های سنت و سیره پیامبر (ص) به عنوان اسوه حسنه، مبنای برنامه ریزی و راه اندازی این امر مهم توسط مسئولان فرهنگی نبوده و نیست. از این رو، بسیاری از آیات و روایات که ناظر و مبین این مسأله و جوانب مختلف آن است، تحلیل نشده رها شده اند؛ یا گاه برداشت های ناقص و نادرست از آنها مبنای عمل قرار گرفته است؛ در نتیجه در بسیاری از مواقع با اخلاص و کوشش های فراوان در صدد ترویج و گسترش قرآن برآمده ایم، اما غافل از این که روش ها و شیوه های متداول به علت غیرمستند

بودن به کتاب و سنت، خود به مثابه یکی از موانع مهم توسعه و ترویج قرآن تبدیل گشته و بر مهجوریت قرآن نزد مسلمانان، بیش از پیش افزوده است.

شیوه‌های ترویج قرائت قرآن

الف - ترغیب به قرآن به جای تحمیل آن

با بررسی دقیق و کامل سیره پیامبر (ص) در می‌یابیم که ایشان هرگز قرآن را بر کسی تحمیل و اجبار نمی‌کرد، چنانکه آیاتی مانند: لست علیهم بمصیطر (غاشیه، ۲۲/۸۸)؛ تو بر آنان تسلطی نداری. و ما انت علیهم بجبار... (ق، ۴۵/۵۰)؛ تو به زور وادارنده آنان نیستی، و ما انا من المتکلفین (ص، ۸۶/۳۸)؛ و من از رنج دهندگان نیستم. گواه این مدعاست. آن حضرت همواره با ابلاغ آشکار و صریح قرآن کریم، زمینه‌آشنایی مردم را با آن فراهم می‌آورد، تا کسانی که خواهان یادگیری قرآن هستند، بتوانند آن را فرا بگیرند؛ چرا که اصولاً هر نظام آموزشی - تربیتی که شالوده‌اش بر اجبار و تحمیل بنا شده باشد، با شکست مواجه خواهد شد.

بر همین اساس است که منطقی در نظام آموزشی قرآن توسط پیامبر (ص) پایه «اقراء» مبدأ یادگیری قرآن می‌باشد. در مرحله اول، مستقیمی (متعلم) برای یادگیری قرآن، از مقری (معلم) طلب اقرار می‌کند.^۲

ب - بهره‌گیری از روش شنیداری - گفتاری (اقراء)

پیامبر (ص) در جهت آموزش و ترویج قرآن، آیات نازل شده را اقرار می‌فرمود. اقرار آیات توسط ایشان، سه مرحله اساسی اسماع، استماع و اتباع را شامل می‌شد؛ چنان که خداوند روش آموزش قرآن به آن حضرت را نیز بر همین اساس بیان فرموده است.^۳ معلم، آیات را بر متعلم، با تأتی و کلمه به کلمه به صورتی روشن و با صدایی گویا و رسا قرائت می‌کند (اسماع)؛ و متعلم پس از انصات^۴ همراه با توجه و گوش فرار دادن (استماع) به هر فراز قرآنی، آن را تکرار می‌کند (اتباع)؛ و این جریان آیات از زبان معلم به سوی گوش متعلم و جریان دوباره همان آیات بر زبان متعلم و بازگشت آنها به سوی گوش معلم تا آن جا ادامه می‌یابد که آیات مورد نظر از قلب و زبان معلم به قلب و زبان متعلم منتقل می‌شوند؛ و متعلم نیز عیناً مانند معلم، حامل و معلم همان آیات کریمه

می شود. ۵

با توجه به نکات ذیل در مورد کارایی قوه سامعه، می توان اهمیت روش شنیداری -
گفتاری را بیشتر نمایان ساخت:

۱. حس شنوایی به طور مستقیم و بدون هیچ فاصله ای پس از تولد به کار می افتد؛ زیرا
نوزاد به محض تولد و حتی قبل از آن در دوران جنینی می تواند صداها را بشنود.

۲. حس شنوایی (گوش) همیشه و همه جا، چه در روشنایی و چه در تاریکی وظیفه
خود را بدون وقفه انجام می دهد.

۳. اگر شنوایی از دست برود، فراگیری زبان امری دشوار و تقریباً ناممکن خواهد
بود؛ اما در صورت از دست دادن قوه بینایی، فراگیری زبان و تحصیل علوم، امکان پذیر
است؛ چنان که در میان صحابه، افراد نابینایی بودند که به برکت اجرای این روش، موفق
به فراگرفتن قرآن شدند و حتی در زمره معلمان و مقریان بزرگ قرآن در آمدند. عبدالله بن
ام مکتوم یکی از آن افراد بود که همراه مصعب بن عمیر، نقش بزرگی در آموزش و ترویج
قرائت قرآن در یرب، قبل از ورود پیامبر بر آن شهر داشت. ۷

مطابق بیان آیات و روایات، جایگاه شایسته و بایسته قرآن، «قلب» انسان است: و
انه لتنزیل رب العالمین. نزل به الروح الامین. علی قلبک لتکون من المنذرين.
(شعراء، ۲۶/۱۹۲-۱۹۴) ۸

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) قلب را مالک و فرمانده بدن و گوش را دروازه قلب
و حافظ و نگهبان آن می خواند. ۹
پیامبر (ص) نیز می فرماید:

«اقروا القرآن و استظهِروه، فان الله تعالى لما يعذب قلباً وعى القرآن» ۱۰؛ بر اقرء -
و قرائت قرآن مداومت داشته باشید و آن را استظهار کنید (از روی قلب خویش
بخوانید)؛ زیرا خداوند قلبی که قرآن را با آگاهی به درون خود راه داده و آن را حفظ
و فهم کرده و به آن عنایت داشته باشد، عذاب نمی کند.

در حدیث دیگری از آن حضرت وارده شده که فرمودند:

«ان الذی لیس فی جوفه شیء من القرآن کالبیت الخرب» ۱۱: فردی که همه شرایط
آشنایی و فراگیری درست آیاتی از قرآن برای او فراهم بوده، ولی چیزی از آن را فرا

نگرفته و آن را در درون (قلب) خود جای نداده باشد، ارزش او همانند ارزش خانه‌ای است که ویران یا غارت شده است.

همه روایات یادشده حاکی از این نکته مهم است که قرآن کریم از جایگاه والایی در قلب برخوردار است و به قرائت مداوم آن باید توجه ویژه شود. از سوی دیگر، قرآن پدیده‌ای از سنخ کلام و زبان است که خود را نازل شده به لسان عربی مبین معرفی می‌کند.^{۱۲} بنابراین، بر پایه تعالیم پیامبر (ص)، قرآن شناسی و روش آموزش آن، هدف از آموزش قرآن، در حقیقت آموزش یک زبان است که با توجه به این که زبان، اولاً و اصالتاً دارای ماهیتی شفاهی است،^{۱۳} ثانیاً روش‌ها و شیوه‌های آموزش آن باید به گونه‌ای طراحی شوند که با شفاهی بودن این پدیده تناسب داشته باشند. اگر هدف از آموزش، تسلط بر زبان باشد به گونه‌ای که دیگر آن زبان، زبان بیگانه محسوب نشود، روش مطلوب فراگیری، روش سمعی می‌باشد. از اصول مهم این روش، مقدم بودن تدریس صورت شفاهی زبان قبل از صورت نوشتاری (روخوانی) است^{۱۴} یعنی نوشتن و روخوانی را باید آن قدر به تأخیر انداخت که زبان آموز در زبان گفتاری تبخّر قابل ملاحظه‌ای کسب کرده باشد. آن گاه تصویر نوشتاری و قابل رؤیت از زبان گفتاری را به زبان آموز عرضه کرد، تا بدین ترتیب مسیر زبان آموزی او تسهیل گردد.^{۱۵}

در تعالیم معصومین (ع) نیز فضیلت قرائت قرآن از روی مصحف، بعد از توانایی قرآن آموز بر قرائت قرآن از روی قلب مطرح می‌شود نه قبل از آن:

فضل قراءة القرآن نظراً على من يقرأ ظاهراً كفضل الفريضة على النافلة.^{۱۶}

امام صادق (ع) نیز در جواب کسی که می‌گوید می‌توانم از بر قرآن بخوانم، آیا از مصحف استفاده کنم یا خیر؟ می‌فرماید:

قرآن را بخوان و به مصحف هم نگاه کن، آیا نمی‌دانی نگاه به مصحف و از روی آن خواندن، عبادت است.^{۱۷}

ج: آسان سازی آموزش قرائت قرآن

در سیره پیامبر (ص) این جنبه به روش‌های ذیل ترویج می‌شد:

۱. قرائت ساده و آسان:

پیامبر اکرم (ص) و معلمان قرآن، آیات را به گونه‌ای آسان، روان و بی‌پیرایه، اقرء و

قرائت می کردند که قرآن آموزان در می یافتند همان گونه که به راحتی می توانند به زبان مادری خویش حرف بزنند، می توانند قرآن را به آسانی استماع و تکرار کنند.

ساده و آسان خوانی قرآن، تیسیری بود که رسول خدا (ص) جهت گشوده شدن راه ترویج قرائت قرآن و آموزش آن بر روی همگان انجام داد و مانع از آن شد که قرائت قرآن در مسیر و فضایی معرفی و آموزش داده شود که به عنوان فن و هنری خاص تلقی شود که فقط عده ای خاص از انسان ها با خصائص ویژه ای که از لحاظ حنجره، صدا، لهجه و زبان دارند قادر بر آن باشند و صنفی خاص به وجود آید به نام قاریان و دیگران از قرائت قرآن محروم باشند. پیامبر (ص) به گونه ای عمل کرد که آموختن و قرائت قرآن، هویت هر فرد مسلمان را تعریف می کرد. بر همین اساس، بر ساده و آسان خوانی و در عین حال، روان و واضح خواندن قرآن در مقام آموزش آن و مواضعی که قرائت قرآن حالت ابلاغ و ترویج همگانی داشت؛ مانند نماز جماعت تأکید می فرمود تا همگان به آسانی بتوانند فرا گرفته های خویش را تثبیت کنند. ۱۸ ذکر این سخن لازم است که قرائت شخصی به صورت ترجیح و روش هایی مانند آن، بدان شرط که تالی فاسد نداشته باشد، اشکال و محذوری از دیدگاه پیامبر (ص) بر آن مترتب نیست؛ اما در مواردی چون قرائت اذان که حالت اعلان، ابلاغ، آموزش و ترویج همگانی داشت، از قرائتش به صورت تطریب و ترجیح و مانند آن نهی می فرمود:

عن ابن عباس، قال: كان لرسول الله (ص) مؤذن يطرب، فقال رسول الله (ص): إن الأذان سهل سمح. فإذا كان أذانك سمحاً سهلاً [فأذن] وإلا فلا تؤذن. ۱۹

همچنین سعید بن مسیب شنید که عمر بن عبدالعزیز در نماز جماعت، قرآن را با ترجیح و تطریب می خواند، به وی پیغام داد: «خدا تو را به راه صلاح و درست در آورد، ائمه جماعات [به پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص)] این گونه قرآن نمی خوانده و نمی خوانند». ۲۰

۲. تحسین هر گونه قرائت:

پیامبر (ص) با شناخت جامع و کاملی که از ماهیت و اهداف نزول قرآن و گوناگونی مخاطبان آن از دو جنبه زبان و روان داشت، در هنگام تعلیم قرآن، هر طور که آیات قرآن بر زبان افراد جاری می شد، آن را تحسین و تجویز می فرمود؛ و اشتباهات قرآن آموزان را به

صورت مستقیم و رو در رو، به ویژه در حضور دیگران، تصحیح نمی کرد. تا هیچ قرآن آموزی احساس نکند که نسبت به میزان توانایی و مشکلاتش در روند یادگیری، بی توجهی می شود و در نهایت نتیجه بگیرد که بهتر است قرآن نخواند و آن را رها کند؛ چنان که وقتی بلال حبشی به علت عدم توانایی بر تلفظ حرف «شین» مورد انتقاد برخی از ظاهر گرایان قرار گرفته بود، رسول خدا (ص) فرمود:

«ان سین بلال عندالله الشین»^{۲۱}؛ نزد خداوند، سین بلال همان شین است و هیچ فرقی نمی کند.

از این رو، به معلمان (مقریان) قرآن نیز همواره توصیه می نمود که در آموزش قرآن به مسأله مهم آسان سازی و آسان گیری توجهی جدی داشته باشند و بر مبنای آن عمل نمایند:

عَلِّمُوا وَيسرُوا و لاتعسروا و بشرُوا و لاتنفروا^{۲۲}

آسان گیری سبب می شود که مردم، قرآن را به مثابه پیامی فرخنده و خجسته دریافت کنند و همین بشارت، آنان را به سمت فراگیری بیشتر قرآن و قرائت آن تشویق می کند، در حالی که سختگیری و ایجاد دشواری، موجب نفرت و دوری مردم از عرصه آموزش و ترویج قرآن و قرائت آن می گردد.

تحسین هر گونه قرائت را می توان از جمله عناصر کلیدی و از مهم ترین ابزاری دانست که در کنار اسوه بودن قرائت پیامبر اکرم (ص) و اقرء و قرائت پیوسته ایشان در منظر صحابه (قرآن آموزان)، به صورت جدی و مؤثر مسأله تصحیح را در امر قرائت قرآن راهبری می کرد؛ یعنی اگر قرآن آموزی، آیات قرآن را کامل فرا نگرفته بود و یا آن را اشتباه قرائت می کرد، هنگامی که اقرء و قرائت پیامبر (ص) و سایر قرآن آموزان را که همواره در حال افزایش بودند، در دیگر صحنه ها مانند نماز، عرضه قرائت و مانند آن می دید و می شنید، به اشتباه خود پی می برد و خودش آن را اصلاح می کرد.

با ادامه نزول و افزایش تعداد آیات و سوره ها و وجود شرایطی آسان، طبیعی و آرام برای یادگیری، قرائت قرآن هر چه بیشتر گسترش و عمومیت می یافت. در این میان، برخی از قرآن آموزان، ناخودآگاه، قرآن را به وجوه و ترتیب های مختلف می خواندند که با اعتراض و ممانعت برخی دیگر رو به رو می شدند؛ و آن گاه که بازخواست می شدند که چه کسی این قرائت را به شما آموخته است، بی درنگ، هر یک، قرائت خود را به پیامبر خدا منسوب

می کرد؛ یعنی این که من در حضور پیامبر قرآن را این گونه خواندم و فرا گرفتم، و ایشان هیچ اشکال و ایرادی نگرفت، در حالی که آن معلم و مقری قرآن و دیگر مسلمانان به خوبی می دانستند که حضرت محمد (ص) قرآن را آن گونه که او می خواند، به وی آموزش نداده است؛ در نتیجه، به سبب اهمی که در حفظ و صیانت کلام الله از هر گونه خطر تحریف و تغییری که داشتند بر سر قرائت درست آیات و ترتیب آنها، با یکدیگر مشاجره می کردند و آن گاه که حکمیت نزد پیامبر (ص) می بردند، آن حضرت از آنان می خواست که دوباره آن قسمت از آیات را که در نحوه قرائت آن با یکدیگر اختلاف دارند، قرائت کنند. با پایان قرائت هر یک از طرفین، آن حضرت قرائت همه آنان را بر پایه اصل «نزل القرآن علی سبعة أحرف»^{۲۳}

جایز و روا و در راستای تحقق اهداف نزول قرآن می دانست و آنها را تحسین و تأیید می نمود و از همه می خواست که از هر گونه جدال و کشمکش بر سر قرائت قرآن بپرهیزند، و قرائت یکدیگر را تخطئه نکنند و آن را نادرست نشمرند؛^{۲۴} زیرا :

«ان ملكاً موکل بالقرآن، فمن قرأه من أعجمی او عربی فلم یقومه قومه الملك ثم رفعه قواماً»^{۲۵}؛ همانا ملکی بر قرآن موکل است، که اگر هر کسی از عرب یا غیر عرب آن را [به هر دلیلی] درست و مرتب آنچنان که هست، نخواند، آن ملک قرائت آن شخص را تصحیح و مرتب کرده، سپس نزد خداوند بالا می برد.

نقل است که همچنین آن ملک موکل تأکید می کند که «اگر قاری در هنگام قرائت قرآن دچار خطا و اشتباه شد، یا قاری فرد أعجمی باشد [و به خاطر اختلاف لهجه و زبان نتواند اجزای کلام را درست ادا کند] فرشته الهی آن را همان طور که از جانب خداوند نازل شده است [تصحیح کرده و] می نویسد».^{۲۶}

بنابر روایات و توضیحات یادشده، تصحیح قرائت قرآن به عهده خداوند است و مأموران آن هم ملائکه اند نه غیر ایشان.

پس، معلمان و قرآن آموزان به جای اشکال گیری از قرائت یکدیگر و تصحیح آن، توان خود را در راه استمرار و تداوم قرائت به هر گونه ای که برای آنان میسر است به کار گیرند. ابی بن کعب می گوید :

رسول خدا (ص) سوره ای را بر من اقرأ فرمود: سپس هنگامی که در مسجد نشسته

بودم، شنیدم فردی همان سوره را به نحوی قرائت می کند که با قرائت من اختلاف دارد! به او گفتم: چه کسی این سوره را به تو تعلیم داده است؟ گفتم: رسول خدا (ص). گفتم: نمی گذارم از من جدا شوی تا رسول خدا (ص) وارد شود. او را نزد آن حضرت آوردم. گفتم: ای رسول خدا (ص) این فرد، همان سوره ای را که پیش از این به من تعلیم فرمودید، طوری قرائت می کند که با نحوه خواندن من از همان سوره تفاوت دارد. رسول خدا (ص) فرمود: ابی بخوان، من سوره را خواندم. رسول خدا (ص) فرمود: احسنت! سپس به فرد دیگر گفتم: حال، شما بخوان. او سوره را به همان گونه که مخالف قرائت من [ابی] بود، خواند. رسول خدا (ص) به او نیز فرمود: احسنت! سپس فرمود: ابی! همانا خداوند قرآن را بر اساس هفت حرف نازل کرده است [پس قرآن هر طور که خوانده شود،] شفا بخش و پسندیده است. ۲۷

از این رو، پیامبر (ص) هر گاه مشاهده می نمود و یا خبری می رسید که هنوز برخی از افراد، به این تعالیم و اصول توجهی نمی کنند و بر سر قرائت درست قرآن به مجادله و اختلاف دامن می زنند و با سختگیری، مانع قرائت دیگران می شوند، ناراحت و نگران می شد و ناخرسندی خود را ابراز داشته، آن را موجب عدم ترویج قرآن می دانست.

بدین ترتیب، این تدبیر حکیمانه پیامبر (ص) سبب شد که قرآن، نه تنها هیچ گاه در قید و بند لهجه ها و زبان ها و اختلاف فرهنگ ها و نژادها، سلیقه ها و ذوق ها و حتی اجتهادهای شخصی نماند، بلکه هر یک از این عارضه ها به خوبی درک و فهم شد و مورد احترام قرار گرفت و از آنها به بهترین وجهی برای ترویج قرائت قرآن میان آحاد مردم در کمترین مدت و در دورترین و بیشترین نقاط استفاده شد. همچنین تأیید و تحسین پیامبر (ص) نسبت به قرائت های مختلف، یکسان و به اندازه مساوی و در سطح عالی بود، به طوری که از به وجود آمدن زمینه های تبعیض، تحقیر، تفاخر، انحصار و درجه بندی میان مسلمانان پیشگیری کرد و هر کس، هر گونه که قرآن را می خواند و هر لهجه و زبانی که داشت، قرائت و همسنگ و هم ارزش با سایر قرائت ها بود و هیچ قرائتی بر قرائت دیگری برتری داده نمی شد و همه قرائت ها، برترین و بهترین قرائت محسوب می شد. یکی دیگر از مهم ترین برکات این تدبیر حکیمانه پیامبر اعظم (ص) را در جهت

ترویج قرائت قرآن می توان چنین تبیین نمود: هنگامی که انسان ها میدان و حوزه قرائت قرآن را بر روی خود وسیع دیدند، به طوری که بدون هیچ نگرانی و دغدغه، هر گونه که می خواستند قرآن را قرائت می کردند، علاوه بر احترام به قرآن و قرائت پیامبر (ص) بیش از پیش، یقین پیدا می کردند که این قرآن نمی تواند ساخته و پرداخته ذهن بشریت باشد و حقیقتاً کلام الله است. لذا به بهترین، زیباترین و منسجم ترین و محکم ترین شکل و ساختار ممکن بر کوشش خویش در کاربرد، حفظ و گسترش و ترویج قرآن و قرائت آن هر روز می افزودند و عملاً به این دعوت و اعلان صریح و عمومی خداوند سبحان (جل و علا) که فرمود: *قل لئن اجتمعت الإنس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لیاأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا* (اسراء، ۱۷/ ۸۸) پاسخ مثبت می دادند. ۲۸

اقراء و قرائت پیوسته آیات

همگام با ابلاغ و نزول تدریجی قرآن، پیامبر اعظم (ص) از هر فرصتی برای اقرار و قرائت آیات نازل شده در جهت ابلاغ (اسماع)، آموزش، ترویج و تثبیت آنها استفاده می کرد. در اصل، نبوت و رسالت آن حضرت اولاً مشروط به استمرار و مداومت بر قرائت قرآن توسط شخص خودشان بوده است؛ به طوری که حتی ایشان نیز با همه آگاهی و اشراف کاملی که بر جمیع ما انزل الله داشت، بی نیاز از قرائت قرآن و اسماع آن به خودشان نبوده است: *یا ایها المزمّل . قم اللیل الا قلیلا . نصفه اوانقص منه قلیلا . او زد علیه و رتل القرآن ترتیلا .* (مزمّل، ۱/ ۷۳ - ۴)؛ *انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذی حرّمها و له کل شی و امرت ان اکون من المسلمین . و ان اتلوا القرآن .* (نبل، ۲۷/ ۹۱ - ۹۲)

گزارش های سیره و روایات به خوبی نشان می دهند که آن حضرت در همه صحنه ها و لحظات زندگی، در شب و روز، در سفر و حضر، سواره یا پیاده، در میدان جنگ و صحنه دفاع و به طور کلی در هر حال، از قرائت قرآن غافل نبود. ۲۹ همچنین قرائت پیوسته آیات قرآن توسط آن حضرت سبب می شود که بسیاری از افراد در همان لحظات خود به خود به انصاف و استماع آیات قرآن پردازند و آنها را فرا گیرند، یا همراه آن حضرت تکرار کنند؛ چنان که ابن مسعود می گوید:

هنگامی که با پیامبر اکرم (ص) در منی به سر می بردیم، سوره «مرسلات» نازل

شد و رسول خدا (ص) بلافاصله به قرائت آن پرداخت و من در حالی که زبان مبارکشان به قرائت آن سوره تر و تازه بود، آن سوره را از دهان مبارکشان تلقی کردم و یاد گرفتم. ۳۰

ثانیاً: آغاز و انجام نبوت و رسالت پیامبر (ص) منوط به اقرار آیات نازل شده بر مردم بوده است: و قراناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً. (اسراء، ۱۷/۱۰۶)

از این رو، در اوایل دوره رسالت، پیامبر (ص) در جهت ابلاغ و اسماع آیات قرآن، بر فراز مکانی بلند بر کوه صفا که مشرف بر محل اجتماع مردم مکه و نقطه پر تردد و محل عبور و مرور کاروان‌ها و مسافران و اهالی مکه بود، می ایستاد و با ندای جاوید «الله اکبر» توجه همگان را جلب کرده، با صدای رسا و شیوا، شمرده شمرده به قرائت آیات و سوره‌های نازل شده می پرداخت و این مکان، میعاد پیامبر (ص) در جهت اقرار و قرائت آیات قرآن بود. ۳۱

ولی با افزایش سخت‌گیری و ممانعت مشرکان، مسلمانان در نزدیک‌ترین نقطه به این مکان، یعنی در منزل ارقم بن ارقم (م ۵۵ هـ. ق) گرد هم می آمدند و حضرت در جمع آنان به آموزش قرآن می پرداخت؛ به طوری که بسیاری از جوانان، مردان و زنان، همچون عمار یاسر، صهیب رومی و مصعب بن عمیر در آن جا به جمع مسلمانان و قرآن آموزان پیوستند و از همین جا، هسته‌های اولیه تعلیم و تعلم قرآن در مکه به صورت مخفیانه شکل گرفت. ۳۲

به طور کلی، پیامبر (ص) آن قدر بر اقرار و قرائت پیوسته آیات و سوره‌های قرآن اهتمام می ورزید که گویی آن حضرت همواره در حال اقرار و آموزش قرآن بر فرد یا جمعی از مسلمانان بود؛ چنان که حضرت علی (ع) می فرماید:

كان رسول الله (ص) يقرئنا القرآن على كل حال. ۳۳

هر یک از قرآن آموزان نیز هر چند آیه یا سوره‌ای که فرا می گرفت، معلم همان آیات و سوره‌ها می شد و آن را به دیگری ابلاغ و اقرار می کرد، به طوری که هر مسلمانی همزمان هم معلم قرآن بود و هم متعلم آن و این بزرگ‌ترین معیار فضیلت هر مسلمانی نزد خدا و رسول او محسوب می شد:

خيرکم من تعلم القرآن و علمه. ۳۴

یا فرموده‌اند:

خيرکم من قرأ القرآن و اقرأه . ۳۵

زیاد بن لبید می‌گوید:

ما قرآن را فرامی‌گیریم و می‌خوانیم و آن را به زنان و فرزندان خویش اقرار می‌کنیم و به همین ترتیب، فرزندان ما آن را به فرزندان خود اقرار می‌کنند . ۳۶

یکی از کانون‌های مهم و اصلی ترویج و تثبیت آموزش قرائت قرآن کریم در زمان پیامبر، که مورد توجه ایشان نیز بود، مسجد بود؛ زیرا با اقامه نمازهای جماعت، جمعه و عیدین، اکثر مسلمانان دست کم در طول هر شبانه‌روز، پنج نوبت در مسجد گرد می‌آمدند و آیات و سوره‌های فراوانی را استماع و قرائت می‌کردند؛ و بعد از اقامه نماز یا در فرصت‌های دیگر، به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شدند و به صورت حلقه‌ای می‌نشستند و به آموزش و یادگیری، و مقارنه و مدارس قرآن مشغول می‌شدند؛ ۳۷ به عنوان نمونه می‌توان به سخنان منقول از صحابه پیامبر (ص) در این مورد اشاره نمود:

۱. انس بن مالک می‌گوید:

انما كانوا اذا صلوا الغداة قعدوا حلقاً حلقاً يقرؤون القرآن . ۳۸

۲. عقبه بن عامر نیز می‌گوید:

نحن و في المسجد نتدارس القرآن . ۳۹

۳. جابر بن عبدالله انصاری نیز می‌گوید:

خرج علينا رسول الله (ص) و نحن نقرؤ القرآن و فينا الأعجمي و الأعرابي، فاستمع، فقال صلى الله عليه و آله: اقروؤا فكل حسن . ۴۰؛ مشغول قرائت قرآن بودیم - در حالی که در جمع ما عرب و غیر عرب در کنار هم قرار داشتند - که رسول خدا (ص) بر ما وارد شد و به قرائت ما گوش داد؛ سپس فرمود: به قرائت خود ادامه دهید که قرائت همه شما، نیک و قابل ستایش است .

نتیجه

با توجه به محتوای مقاله و موضوع مورد بحث، می‌توان دستاوردها و نتایج ذیل را

ارائه داد:

۱. به طور کلی، از یک سو، ابلاغ تدریجی آیات و سوره‌های قرآن در موقعیت‌های گوناگون و تنوع آن از لحاظ کمیت و موضوع و هماهنگی و انسجام، و ارتباط و تناسب درونی آیات قرآن بایکدیگر و با نیازهای قرآن آموزان و از سوی دیگر آموزش قرائت قرآن با روش‌های مذکور در مقاله و از همه مهم‌تر اقرء و قرائت پیوسته و مکرر آیات قرآن در منظر مردم و اهتمام و تدابیر حکیمانه پیامبر (ص) در ترویج آن شیوه‌ها جهت آموزش قرائت قرآن و در جهت ایجاد نظام و محیط آموزشی آسان و روان بر اساس اصل همکاری و همیاری، سبب می‌شود که افراد بیشتری در زمان‌های متناوب در معرض شنیدن آیات قرآن قرار گیرند، هر قرآن آموزی با مجهز شدن به شناخت و انگیزه‌های لازم و به فراخور خویش در حال یادگیری و تکرار قرائت قرآن و کاربرد آن در صحنه‌های مختلف زندگی و تعلیم و اقرء آن به دیگران می‌باشد. به بیانی دیگر، نزول تدریجی و ارتباط گسترده و عمیق تعالیم قرآن با زندگی فردی و اجتماعی قرآن آموزان و حضور فعال و خلاق پیامبر (ص) در متن زندگی قرآن آموزان (مردم) و همیاری و همراهی با آنان در حل مشکلات و مسائل مختلف زندگی بر اساس آموزه‌های قرآن، آن‌چنان قرآن آموزان را فعالانه با آیات نازل شده و موقعیت‌های یادگیری، درگیر و روبه‌رو می‌نمود که می‌توان گفت هر مسلمانی به طور فعال در صحنه یادگیری و ترویج قرآن شرکت داشت.

۲. یکی از مهم‌ترین وجوه تأکید پیامبر (ص) بر حضور مسلمانان در نماز جماعت، پیمان برادری، و بسط روحیه شورا و تعاون، در جهت افزایش سطح ارتباطات قرآن آموزان با معلمان و بایکدیگر و بالا بردن میزان مشارکت آنان در جهت ترویج و تثبیت قرآن بوده است.

۳. اقرء و قرائت پیوسته پیامبر (ص) آن‌چنان حکیمانه صورت می‌پذیرفت که نه تنها در آن هیچ شائبه تحمیل و اجبار دیده نمی‌شد، بلکه همواره انگیزه قرآن آموزان و نو مسلمانان را بر فراگیری هر چه بیشتر قرآن و قرائت و اقرء مداوم آن می‌افزود و شیوه‌های ترغیب خالصانه به سوی یادگیری و ترویج قرائت قرآن و آسان‌سازی آموزش این کلام آسمانی، هر چه بهتر و بیشتر تقویت می‌گردید و از این‌که موجب یکنواختی و معمولی جلوه‌گر شدن قرآن برای قرآن آموزان و دلزدگی آنان گردد، جلوگیری می‌شد. این بدان معناست که پیامبر (ص) عملاً مواظب حفظ عظمت، عزت، کرامت و مجد قرآن و ابلاغ

مبین آن و رسول الله بودن خودشان بودند، که این امر با مراجعه به سیره تبلیغی خاتم پیغمبران به عنوان اسوه حسنه کاملاً هویدا است.

۴. با اهتمام و تدابیر حکیمانه پیامبر (ص) و شرکت فعالانه همه قرآن آموزان در امر تعلیم و تعلم، آن چنان فضا و محیط قرآنی فراهم آمد که آوای قرآن از سوی هر مسلمانی و از هر مکانی و در هر زمانی، از منازل^{۴۱}، مساجد، در نمازهای جماعت، جمعه^{۴۲} و نافله ها، در خطبه ها، در سفر و حضر، در دل شب^{۴۳}، در میدان جنگ و صحنه دفاع^{۴۴}، در گفت و گوهای روزمره، در جلسات، اجتماعات و مدارس بلند بود و به گوش می رسید، به طوری که ذکر و زمزمه اصلی زبان مردم، آیات و سوره های قرآن بود.

۵. به طور کلی، این نکته نیز قابل ذکر است که ما با دو شیوه قرآن آموزی به طور مداوم رو به رو هستیم: قرآن آموزی طبیعی و قرآن آموزی هدایت شده.

در مورد اول: قرآن آموز بدون هیچ گونه آموزش عمدی و مستقیم، قرآن را به طور طبیعی و از راه ارتباط های عادی و اجتماعی فرا می گیرد، به این ترتیب که قرآن آموز در یک جامعه و محیط قرآنی به سر می برد که اعضای آن در اکثر اوقات مشغول به اقرار و قرائت قرآن و کاربرد آن در صحنه های مختلف زندگی هستند. بدین سان قرآن آموز به تدریج به علت قرار گرفتن در معرض داده های زبان قرآن که همواره در منظر و مسمع اوست، قرآن را یاد می گیرد و بر قرائت و کاربرد آن توانا می شود.

در نوع دوم، از طریق آموزش منظم و هدایت شده قرآن را فرا می گیرد، بدین گونه که معلم (مقری)، آموزش قرآن را با حزب مفصل^{۴۵} و از سوره ناس آغاز می کند، و قرآن آموز به تدریج این سوره ها را یکی پس از دیگری فرا می گیرد و با مقارنه و مدارسه و عرضه قرائت خود بر معلم، آموخته های خود را تثبیت می نماید. تا آن جا که به عنوان نمونه ابن عباس می گوید: «در هنگام رحلت پیامبر اکرم (ص) ده ساله بودم و حزب مفصل را کاملاً فرا گرفته بودم».^{۴۶}

۶. پیامبر اکرم (ص) با ترویج و همگانی ساختن قرائت قرآن کریم، محیط جامعه اسلامی را به فضایی امن و آرام و روان و قابل انعطاف در برابر ویژگی های مختلف انسان ها و مطابق با فطرت و سلیق گوناگون مبدل ساخت و روحیه های اضطراب، تشویق و دلهره انگیزی و سخت گیری های پیوسته در مسیر ترویج قرائت قرآن را از بین برد و با ایجاد

روابط مثبت و سازنده بین مقری و مستقری (معلم و متعلم قرآن) زمینه را برای ترغیب همه نسل‌ها به تلاش در آموزش قرائت قرآن و قرائت پیوسته این کلام الهی فراهم نمود و با تدوین اساس نامه‌ای اخلاقی در حفظ و رعایت احترام به قرآن و سعی در کاربرد همیشگی آن در شؤونات اجتماعی و زندگانی، به حق قرآن کریم را به صحنه زندگی انسان‌ها برای همه لحظات وارد نمود. ۴۷

۱. ر. ک: لسانی فشارکی، محمدعلی و دیگران، گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن/۶۰۰-۶۰۱، تهران، بنیاد تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، خرداد ۱۳۷۹ هـ. ش.
۲. رک: فصلنامه مشکوة، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تابستان ۱۳۸۴ هـ. ش، ش ۸۷/۴۳-۴۶.
۳. آن‌جا که می‌فرماید: «سنقرئک فلاتنسی». (سوره اعلیٰ/ ۶)؛ «فإذا قرأناه فاتبع قرآنه». (سوره قیامة/ ۱۹)
۴. انصات به معنای سکوت است.
۵. خوش منش، ابوالفضل، تحقیقی در ابعاد مسأله حمل قرآن کریم، فصل دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۷۸ هـ. ش.
۶. ر. ک: همان، فصل دوم.
۷. المستدرک علی الصحیحین، ۲/۶۶.
۸. و نیز بنگرید به: سوره اعراف/آیه ۱۰۰؛ سوره لقمان/آیه ۷۵ و سوره فصلت/آیه ۵۳.
۹. بحارالانوار، ۳۰۹/۵۹.
۱۰. وسائل الشیعة، ۴/۸۲۵.
۱۱. کنز العمال، ۱/۵۱۲، ح ۲۲۷۶.
۱۲. سوره شعرا/آیه ۱۹۵؛ سوره نحل/آیه ۱۰۳.
۱۳. ر. ک: وان پاسل و دی گریو، جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان، ترجمه ابرالحسن سروقد مقدم، (نه مقاله)/۱۷۹-۱۸۲،
- مشهد، آستان قدس رضوی، خرداد ۱۳۶۴ هـ. ش.
۱۴. ر. ک: همان/۲۰۲-۲۰۳.
۱۵. رک: دو کمپ، دیوید، زبان شناسی و آموزش زبان‌های بیگانه، ترجمه حسین مریدی، (هفت مقاله)/۷۴-۷۶.
۱۶. کنز العمال، ۱/۵۱۶، ح ۲۳۰۲.
۱۷. کافی، ۲/۶۱۳.
۱۸. فصلنامه مشکوة، ش ۸۷/۴۶-۴۷.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، التذکار فی افضل الذکار /۱۲۳-۱۲۰، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۲۰. همان/۱۲۱.
۲۱. مستدرک الوسائل، ۴/۲۷۸.
۲۲. صحیح مسلم، ۲/۱۳۵۹.
۲۳. ر. ک: طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ۱/۱۶-۲۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۲۴. زبان شناسان نیز بر این باورند که تمام قصورات مادر مورد «صحیح و غلط» بودن زبان، نه تنها نادرست و بیهوده است، بلکه به طور قطع مضر است و چه خوب است ما از قید آنها رهایی یابیم. (ر. ک: آ. هال، رابرت؛ زبان و زبان شناسی، ترجمه محمد رضا باطنی/ ۳۰-۳۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ هـ. ش.

۲۵. کتر العمال، ۱/۵۱۳، ح ۲۲۸۲ و ۲۲۸۳.
۲۶. همان، ح ۲۲۸۴.
۲۷. نسائی، احمد بن شعیب؛ سنن، بیروت، ۱۵۳/۲، دارالفکر، ۱۳۴۸ هـ. ق. اگر چه تا کنون در رد و قبول روایات احرف سبعة و مراد از آنها، اختلاف نظرهایی عمیق میان پژوهشگران وجود داشته و دارد، ولی اگر زمینه ها و شرایط صدور این روایات از نوبازینی و تحلیل شود، می تواند بسیاری از سوء برداشت ها را تصحیح کند و جایگاه مهم خود را در مسائلی همچون زبان قرآن و آموزش و ترویج قرائت آن باز یابد.
۲۸. رک: فصلنامه مشکوة، ش ۸۷/۵۰-۵۳.
۲۹. به عنوان نمونه ر. ک: صحیح بخاری (الجامع الصحیح)، بشرح الکرمانی، ۱۹/۳۷-۳۸، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ هـ. ق؛ بحارالانوار، ۲۱۶/۹۲.
۳۰. ر. ک: صحیح بخاری، ۱۸/۱۷۶-۱۷۷.
۳۱. رک: بحارالانوار، ۱۸/۲۰۴، ۲۴۱ و ۲۴۳.
۳۲. ر. ک: السیرة النبویة؛ ابن هشام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، ۱/۳۷۱، چاپ پنجم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ هـ. ق، و پاورقی ص ۲۹۳.
۳۳. سنن ترمذی، ۱/۹۸؛ مسند احمد بن حنبل، ۲/۵۱، ۲۵۶.
۳۴. وسائل الشیعة، ۴/۸۲۵.
۳۵. کتر العمال، ۱/۵۲۵، ح ۲۳۵۴.
۳۶. سنن ابن ماجه، ۲/۱۳۴۴؛ سنن ترمذی، ۴/۱۳۹.
۳۷. ر. ک: فصلنامه مشکوة، ش ۸۷/۵۶-۵۹.
۳۸. کتانی، عبدالحی؛ نظام الحکومة النبویة، بیروت، دارالعربی، ۲/۲۱۷.
۳۹. سخاوی، علی بن محمد؛ جمال القراء و کمال الاقراء، ۱/۲۷۰.
۴۰. سنن ابی داود، ۱/۲۲۰.
۴۱. به عنوان نمونه روایت شده است که روزی پیامبر (ص) در
- انتظار آمدن عایشه بود. هنگامی که به خانه رسید، پیامبر علت تأخیر او را جویا شد. عایشه گفت: قرآن خواندن مردی را گوش می دادم که آوایی خوش نر از آن نشنیده ام. پیامبر (ص) برخاست و آن را استماع فرمود. در برگشت فرمود: این صدای سالم، بنده آزاد شده ابو حذیفه است. [رک: رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن/ ۲۳۳، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ هـ. ش].
۴۲. در روایتی آمده که جابر بن سمرة می گوید: «کانت لثنی (ص) خطبتان یجلس بینهما، یقرأ القرآن و یدکر الناس». (صحیح مسلم، ۲/۵۸۹).
۴۳. خداوند سبحان این مسأله (خواندن قرآن در دل شب توسط پیامبر (ص) را در قرآن کریم این گونه گزارش می کند: ان ربک یعلم انک تقوم و ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذین معک و... (سوره مزمل، آیه آخر).
۴۴. پیامبر در میدان جنگ، آیات قرآن را در برابر مشرکان با صدای بلند می خواند و هنگام فرستادن سربازان به سربیه ها در جهت دفاع می فرمود: «سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله...» (جهت مطالعه تفصیلی این موضوعات رک: رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن/ ۲۲۴-۲۲۵؛ کلینی، فروع کافی، ۵/۲۷).
۴۵. مطابق تعلیم پیامبر (ص) قرآن به هفت حزب تقریباً مساوی تقسیم می شود که حزب هفتم شامل ۶۵ سوره از «ق» تا «ناس» به حزب مفصل نامگذاری شده است. (ر. ک: شیبانی، نهج البیان، ۱/۲۳؛ حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، چاپ پانزدهم/ ۱۰۲-۱۰۳).
۴۶. صحیح بخاری، ۱۹/۳۷؛ مسند، احمد بن حنبل، ۴/۷۷ و ۲۰۶.
۴۷. ر. ک: گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، لسانن فشارکی، محمد/ ۹۳-۱۰۰.